



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

معرفی و بررسی کتاب

حکمت حکم

محمد حکیمی
محمد صابر جعفری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معرفی و بررسی کتاب عصر زندگی

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مجله انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	معرفی و بررسی کتاب عصر زندگی
۷	مشخصات کتاب
۷	گزارشی کوتاه از کتاب عصر زندگی
۷	اشاره
۷	عدالت اجتماعی
۷	در سایه شمشیر
۸	تدارک جنگ و تربیت جنگاوران
۸	قاطعیت
۸	تصحیح انحراف‌های فکری و توجیهی
۸	وحدت عقیدتی
۸	رفاه اقتصادی و معیشتی
۸	مساوات
۹	حاکمیت فراگیر جهانی
۹	حکومت مستضعفان
۹	آیین و روش جدید
۹	رشد عقلی و تکامل علم
۹	امنیت اجتماعی
۹	رشد تربیت انسانی
۹	اصول بیعت
۱۰	وضع معابد
۱۰	سامان‌یابی زندگی
۱۰	انتظار

- سیره عملی و روش شخصی امام عصر ۱۰
- تداوم راه پیامبر ۱۰
- نقد و بررسی کتاب عصر زندگی ۱۱
- اشاره ۱۱
- حقیقت زندگی ۱۲
- تحلیل‌های یکسویه، ناقص و ناصواب ۱۳
- وحدت عقیدتی ۱۳
- روحانیت ۱۴
- ضدیت با سرمایه و مالکیت ۱۴
- مهربانی ۱۵
- عدم تبویب مناسب ۱۶
- عدم بررسی سندی روایات ۱۶
- استفاده از منابع غیر مرجع ۱۶
- عدم دقت در نقل ۱۶
- اشتباهات در ترجمه ۱۶
- اشتباهات در اعراب ۱۷
- اشکال‌های ویرایشی و نداشتن فهرست جامع (آیات، روایات و...) ۱۷
- پاورقی ۱۷
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۸

معرفی و بررسی کتاب عصر زندگی

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد حکیمی - محمد صابر جعفری

ناشر: انتظار، بهار ۱۳۸۱

گزارشی کوتاه از کتاب عصر زندگی

اشاره

مسأله بشریت، پس از سرخوردگی‌ها، مسأله آینده است و این آینده است، که با هر تفسیری ارائه گردد و با هر نظریه‌ای توأم آید، برای انسان وظایفی رقم می‌زند و ناخودآگاه بر عهده او می‌گذارد. طبق ترسیم و تبیینی که اسلام - به ویژه مکتب تشیع - در پاسخ به سرخوردگی‌ها و ناامیدی‌ها، ارائه می‌دهد، آینده‌ای روشن، زیبا و ساحلی زندگی‌زا در انتظار بشر است؛ بشری که در میان یأس و سرخوردگی و ظلم و ستم، هنوز طعم حیات و زندگی را نچشیده است. و این بشارت، بیانگر حکومت حضرت مهدی (عج) است که روح افزا، حیات بخش و «عصر زندگی» است. این دوران و اقدامات و برنامه‌های آن حضرت، دارای ویژگی‌هایی است که جناب آقای محمد حکیمی، با هدف تبیین بخشی از آن در کتاب «عصر زندگی» (در ۳۱۰ صفحه و بیست بخش) بدان‌ها پرداخته است. مطالعه این کتاب ارزشمند، به عموم مردم به ویژه قشر تحصیل کرده و فرهیخته - توصیه می‌شود. [۱] آنچه در کتاب آمده، به شرح ذیل است:

عدالت اجتماعی

بشر از ظلم و ستم و تبعیض‌ها به ستوه آمده و «عدالت» از مهم‌ترین رسالت‌های منجی عالم بشریت است که در روایات مورد تأکید فراوان می‌باشد. در این بخش، به معانی عدل و قسط پرداخته و به نمونه‌هایی از شیوه‌های اجرای عدالت الهی در حکومت حضرت مهدی (عج) اشاره شده است. هم چنین اثرات آن در تمام ابعاد زندگی مورد بررسی قرار گرفته و تأکید شده که اصل عدالت در ریز و درشت مسائل، عملی می‌شود و حتی در درون خانه‌ها، قانون عدل حاکم می‌گردد. در آن دوران، نخست از کارگزاران و دست‌اندرکاران و همه مجریان امر، خواسته می‌شود که به موازین عدالت پایبند باشند و بدان عمل کنند. راه‌یابی و نفوذ عدالت در درون روح افراد و برقراری عدل و تعادل اخلاقی و تربیتی در میان توده مردم، از ابعاد مهم و زیربنایی در ساختن جامعه عادلانه است که در آن روزگار روی می‌دهد.

در سایه شمشیر

برقراری عدالت اجتماعی، بدون کارشکنی‌های بزرگ و مخاطره‌آمیز و ویرانگر انجام نخواهد یافت. بنابراین، راهی جز زدودن موانع نیست؛ لذا قیام امام زمان (عج) به ناچار با جهاد و مبارزه همراه است. آری، از شمشیر امام عصر (عج)، برای خون آشامان پست، درندگان متمددن و ابرقدرتان نا انسان، خون و مرگ و برای انسانیت درد کشیده خرد شده، رحمت و حیات می‌بارد. گفتنی است، اسلام جنگ را نه به عنوان هدف و آرمان؛ بلکه به عنوان راه و وسیله برای تحقق هدف پذیرفته است.

تدارک جنگ و تربیت جنگاوران

پس از ذکر لزوم جنگ در بخش پیشین، در این بخش به چگونگی تربیت جنگاوران و تعداد یاران امام زمان (عج) پرداخته شده است؛ چرا که راه دستیابی به عدل، جنگ و پیکار با مخالفان و معاندان لجاج است و این مهم بدون تدارک و تربیت افراد مبارز ممکن نمی‌نماید. بنابراین دستیاران اصلی قیام و انقلاب، در دوران پیش از ظهور، به هدایت عام و خاص حضرت مهدی (عج) تربیت می‌شوند.

قاطعیت

یکی از ویژگی‌های امام عصر (عج) و حکومت ایشان، قاطعیت و سازش ناپذیری است. آن حضرت توبه ریاکارانه را نمی‌پذیرد؛ از هیچ مقام و قدرتی نمی‌هراسد؛ بدون هیچ ملاحظه‌ای تبه‌کاران را کیفر می‌کند و صالحان زاهد و ساده زیست و بی‌آلایش را در مصادر امور می‌گمارد.

تصحیح انحراف‌های فکری و توجیهی

یکی از برنامه‌های امام زمان (عج)، از بین بردن همه تحریف‌ها و نشان دادن چهره واقعی اسلام به جهانیان است. از این رو، نویسنده پس از ذکر مبارزه با دشمنان عنود در بخش‌های گذشته، در این بخش به پیکار با کج‌فهمی‌ها و کج‌اندیشان پرداخته و ستیز امام عصر (عج) با عاملان تحریف‌ها و بدعت‌ها را، مطرح کرده است.

وحدت عقیدتی

از نظر نویسنده، اختلاف در مبانی جهان‌بینی، موجب ناسازگاری انسان در محیط اجتماعی است. از این رو در دوران حکومت عدل مهدوی (عج)، جهان‌بینی واحدی بر جهان حاکم می‌گردد و راه و روش و برنامه‌ها یکی گشته و یکپارچگی واقعی در عقیده و مرام پدید می‌آید.

رفاه اقتصادی و معیشتی

پس از استقرار حکومت جهانی امام زمان (عج)، اقتصاد شکوفا شده، بشریت به طور کامل به رفاه اقتصادی و بی‌نیازی دست می‌یابد. در سایه حاکمیت قرآنی، محمدی و علوی امام مهدی (عج) و با اجرای اصل عدالت اجتماعی - که سیره انکارناپذیر آن امام بزرگ است -، تمام نابسامانی‌ها، سامان می‌یابد و نیازها برآورده می‌گردد. رفاه اقتصادی و آسایش معیشتی بر تمام بخش‌ها و زوایای زندگی بشر پرتو می‌افکند. بدیهی است این همه، با امور ذیل تحقق می‌یابد: ۱. برقراری عدالت اجتماعی، ۲. اجرای اصل مساوات، ۳. عمران و آبادی زمین، ۴. پیشرفت فنون، ۵. باران‌های مفید و پیاپی، ۶. برنامه‌ریزی درست و از یک نقطه، ۷. بهره‌برداری از معادن و منابع زیر زمینی، ۸. بازپس‌گیری ثروت‌های غصب شده، ۹. استفاده از همه اموال، [۲]. ۱۰. کنترل و نظارت دقیق مرکزی.

مساوات

از مهم‌ترین اقدامات حضرت، اجرای مساوات در تمام شؤون زندگی بشر است؛ یعنی: مساوات در نظام تکوین و آفرینش؛ در برابر قانون؛ در بهره‌برداری از موهبت‌های طبیعی؛ در تقسیم بیت‌المال و مطرح بودن مساوات به عنوان نوعی مسؤولیت اجتماعی.

حاکمیت فراگیر جهانی

در این بخش، نویسنده با بررسی روایات مربوط به حکومت امام زمان (عج)، به اثبات فراگیر و جهانی بودن حکومت آن حضرت (عج) پرداخته و نوشته است که بر سر راه چنین آرمانی عظیم، دو مانع بزرگ وجود دارد: ۱. عوامل سلطه و استکبار جهانی، ۲. عقب ماندگی فرهنگی و نبود تربیت درست انسانی. این دو عامل، در آن دوران و به دست با کفایت امام مهدی (عج) ریشه کن خواهد شد.

حکومت مستضعفان

در جامعه و نظامی که امام مهدی (عج) بنیان می‌نهد، زمام همه امور در دست مستضعفان است. آنان حکم می‌رانند و به اداره جامعه می‌پردازند. آری، حاکمیت مستضعفان، از شاخه‌های اصلی اجرای عدالت مطلق است.

آیین و روش جدید

از آن جایی که پیش از ظهور، بیشتر احکام تعطیل یا تحریف شده است، با اجرای برنامه‌های واقعی اسلام از سوی حضرت ولی عصر (عج)، مردم می‌پندارند که آن حضرت آیین و روش جدیدی آورده است.

رشد عقلی و تکامل علم

در سایه آموزه‌های امام زمان (عج)، عقل بشر به تکامل می‌رسد و علومی بی‌سابقه تحصیل می‌کند. آن حضرت از حقایق گسترده و جهانی، پرده بر می‌دارد و شناخت‌های ناب و خالص را به ارمغان می‌آورد. با توجه به روایات، دانش‌ها و شناخت‌های بشری، پیش از دوران تکامل علم و عقل، نسبت به دوران ظهور، بسیار ناچیز محسوب می‌شود.

امنیت اجتماعی

نویسنده در این بخش، به یکی دیگر از اقدامات آن حضرت (امنیت اجتماعی و نقش آن در جوامع) اشاره کرده، می‌نویسد: امام مهدی (عج) پدید آورنده امنیتی است که بشریت در تمام دوران تاریخ خود، مانند آن را ندیده است. همه معیارها و ضوابط غیر انسانی و نادرست را کنار زده و علل و عوامل دلهره، نگرانی، و ترس را نابود می‌کند. در نتیجه دارالسلام و جامعه‌ای امن و زندگی آرام و آسوده‌ای که نمونه زندگی در بهشت جاوید است، نصیب انسان می‌گردد.

رشد تربیت انسانی

از برنامه‌های امام عصر (عج)، به کمال رسانیدن انسان از نظر روحی و اخلاقی است. توضیح این مطلب و راه کارهای آن در این بخش بیان شده است.

اصول بیعت

از اقدامات حضرت مهدی (عج) اخذ بیعت و بستن عهد و پیمان با یاران است. این پیمان و بیعت بر اصول ذیل مبتنی است: ۱. احترام به ارزش انسان، ۲. احترام به حقوق انسان‌ها، ۳. دادگری و عدالت گستری، ۴. دوری از هرگونه مال اندوزی، ۵. دوری از ظلم، ۶. ساده

زیستی، ۷. ایثار، ۸. پذیرش زندگی دشوار و خاکی. خود آن حضرت نیز - که تجسم حق و عدل و منزّه از گناه و ترک اولی است - با آنان عهد می‌بندد که به این اصول عمل کند.

وضع معابد

حضرت مهدی (عج) در دوران حکومت خویش، مساجد و معابدی که مدنظر اسلام نباشد، ویران ساخته، از هرگونه تجمل و اشرافی‌گری در مساجد جلوگیری می‌کند.

سامان‌یابی زندگی

نویسنده در این بخش، به اصلاحات آن حضرت، در مقابل انحرافات جامعه اسلامی - که در دوران پیش از ظهور رخ داده - می‌پردازد و انحرافات ذیل را مطرح و مورد بحث قرار می‌دهد: ۱. انحراف در معیارها برای شناخت حق، ۲. گسیختن روابط انسانی و روابط خانوادگی، ۳. انگیزه‌های غیر انسانی و روابط سودجویانه و استثماری، ۴. حاکمیت معیارهای سرمایه داری (نظیر پول پرستی، مستی ثروت، ثروت‌اندوزی، رباخواری و...)، ۵. تزیین عبادت، ۶. جدایی و تفرقه، ۷. کنار گذاشتن اصول و چنگ زدن به فروع.

انتظار

امید به «تداوم حیات»، به زندگی کنونی معنا و مفهوم می‌بخشد و پویایی و نیروی لازم برای ادامه آن را تأمین می‌کند. از این رو ماهیت زندگی با انتظار پیوندی ناگسستنی دارد. جامعه منتظر، با انتظاری راستین و صادقانه، دست کم می‌تواند در حوزه خود، مشکلات و نابسامانی‌های مردمی را بر طرف کند و خواسته‌ها و آرمان‌های امام موعود را، در محیط خویش تحقق بخشد. آنچه در این بخش، مورد بررسی قرار گرفته مفهوم صحیح انتظار، اثر و ویژگی‌های آن، وظایف منتظران و اموری دیگر، (مانند انتظار و رأفت امام) است که در پاره‌ای از روایات، مهربانی و احساس لطیف و عمیق امام همچون برادر یا مادری مهربان نسبت به فرزندان خردسال دانسته شده و امام مهربان‌تر و رحیم‌تر از خود افراد به آنان و در شادی‌ها و تلخی‌های زندگی، شریک آنان معرفی شده است.

سیره عملی و روش شخصی امام عصر

امام مهدی (عج)، مانند همه پیامبران و رهبران راستین و شایسته الهی، بسیار ساده زیست است. با آسایش و تن آسایی، هیچ آشنایی ندارد. و در سطح پایین‌ترین طبقات؛ بلکه دشوارتر از آنان زندگی می‌کند. او تجلی دوباره زندگی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) و دیگر امامان (ع) است.

تداوم راه پیامبر

راه و روش امام مهدی (عج)، راه و روش پیامبران است؛ اما از آن جا که شکل نهایی جامعه‌های ترسیم شده در ادیان و اسلام، تحقق نیافته و به عینیت ملموس در نیامده است؛ نوید پدید آمدن آنها در آینده داده شده است. روش‌ها و اقدام‌ها و برنامه‌های امام موعود، از امیدآفرین‌ترین بخش‌های تعالیم اسلام است که از فرجام خوش تاریخ و سرانجام دلپذیر و آرمانی زندگی انسان، سخن گفته و مؤده آن را داده است. نویسنده در این بخش، با اشاره به مفهوم «بقیة الله» و «ذخیره الله»، امام زمان (عج) را تنها یادگار همه پیامبران و اولیاء؛ وارث معارف و تعالیم آنان؛ مجری سازش‌ناپذیر آن و عینیت بخش اصول و آرمان‌ها و تعالیم آنها معرفی کرده

است.

نقد و بررسی کتاب عصر زندگی

اشاره

نویسنده، در میان موضوعات مطرح درباره حضرت مهدی (عج)، موضوعی را برگزیده که کار آمد، به روز، عطش آفرین و تا حدی دارای سخنی تازه در مسائل اجتماعی و سیاسی عصر حاضر است. آنچه کتاب در تمام بخش‌ها به آن می‌پردازد، «عدالت اجتماعی» است؛ موضوعی که جهان تشنه آن است چرا که جهان تشنه عدالت است و عدالت تشنه مهدی (عج). مطالبی که در این کتاب مطرح شده، تا حد زیادی کاربردی است و مخاطب را به تأمل وادار می‌دارد. تنوع مباحث بر اهمیت کتاب می‌افزاید، خصوصاً این که این امور با ارائه مطالب آماری و علمی روز (در پانویست کتاب) ذکر شده است. سعی نویسنده بر آن بوده که مسائل را با نگاه روز بنگرد و احساس تشنگی را از همان آغاز - ولو با عنوان کتاب «عصر زندگی» - به خواننده متذکر شود. او کوشیده مباحث را به صورتی تحلیلی با کمک گرفتن از آیات و روایات فراوان و تبیین و تفسیر آنها، ارائه دهد؛ به گونه‌ای که در هر موضوع، بستر طرح آیات و روایات فراهم گشته، آن گاه با ذکر و تحلیل آن، موضوع برای مخاطب روشن می‌شود. مؤلف با استفاده از حدود سیصد نمونه از آیات و روایات در کتاب حدود سیصد صفحه‌ای خویش، خواننده را به سخن امروزی داشتن آیات و روایات و تأمل در آنها فرا خوانده است. «عصر زندگی» می‌کوشد با تحلیل‌های نسبتاً مناسب، در بخش‌های متفاوت کتاب، به بعضی از بیماری‌ها و آفات اخلاقی یا اجتماعی بشر و مشکلات و آسیب‌های جریان‌ات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... پیش از ظهور پیردازد و علت پیدایش آن را ذکر و راه برطرف شدن آنها را نیز توضیح دهد. از این رو نمونه‌های ذیل رخ می‌نماید: ۱. آثار اجتماعی دروغ، کینه‌توزی، آزمندی، مال‌اندوزی و... و چگونگی از بین رفتن آنها در عصر زندگی؛ ۲. مصلحت‌زدگی و تأثیرپذیری از تبلیغات دشمنان داخلی و خارجی و چگونگی محو آن در حکومت امام عصر (عج). ۳. هشدار درباره جریان‌هایی که پس از هر انقلاب پدید می‌آیند و نحوه مقابله حضرت مهدی (عج) با آنان؛ ۴. هشدار درباره آسیب‌های یک انقلاب؛ (نظیر کسانی که پس از انقلاب، وظیفه و مسؤلیت را به عنوان پُست بنگرند)؛ ۵. بی‌عدالتی و چگونگی راه‌یابی و نفوذ عدالت در درون روح افراد و برقراری عدل و تعادل اخلاقی و تربیتی در میان توده‌ها و... گویا عصر ظهور بادوره پیش از ظهور مقایسه می‌شود. هشدار از سویی و الگو از سوی دیگر. از موارد مثبت دیگر، این است که نویسنده، جریان مبارزات، و سختی‌ها و شیرینی‌های دوران پس از ظهور و حکومت حضرت مهدی (عج) را امری خارق‌العاده و دور از دسترس قلمداد نکرده؛ بلکه به طبیعی بودن مشکلات و مسائلی که در مقابل هر انقلاب و حکومتی - مخصوصاً انقلاب و حکومت دینی - قد علم می‌کند، پرداخته است؛ یعنی، حضرت مهدی (عج) نیز، مانند همه پیامبران و امامان (ع)، درگیر مشکلات و مسائلی خواهد بود و حکومت ایشان نیز روالی طبیعی داشته و بر مجرای واقعیت است. گرچه امدادهای غیبی نیز نفی‌ناشدنی است. مؤلف این مسائل را در مطالبی نسبتاً مرتبط مطرح می‌کند و با اشاره‌ای تطبیقی به حکومت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع)، خوانندگان را با نوع حکومت امام زمان (عج)، آشنا می‌سازد. وی مشکل اساسی بشر را، یأس و سرخوردگی و «عصر زندگی» را امیدی فرا روی بشر می‌داند و در این میان مسأله «انتظار»، را بسیار خوب مطرح کرده است و منتظر را به فضای انتظار کشانده، احساس صمیمانه‌ای بین او و امامش برقرار ساخته است. نویسنده به دنبال گشودن دریچه امید به فردای باطراوت برای بشریت گرفتار یأس و سرخوردگی است که با ظهور مهدی موعود (عج) تحقق خواهد یافت و برای این کار، مطالب ارزشمند و وزینی ارائه می‌دهد؛ لکن این کتاب - به رغم نقاط مثبت و ویژگی‌های مطلوب و ارزشمند - از برخی جهات مورد کم توجهی واقع شده است. اگر جهات زیر مورد توجه بیشتر مؤلف محترم و اندیشمند قرار می‌گرفت، و کاستی‌های موجود در آن

برطرف می‌گردید، بر قدر و وزانت آن افزوده می‌شد: ۱. حقیقت زندگی، ۲. تحلیل‌های یک‌سویه، ناقص و ناصواب، ۳. وحدت عقیدتی، ۴. روحانیت، ۵. مالکیت، ۶. مهربانی، ۷. عدم تبویب مناسب، ۸. عدم بررسی سندی روایات و استفاده از روایات غیر معتبر، ۹. استفاده از منابع غیر مرجع، ۱۰. عدم دقت در نقل، ۱۱. اشتباهات در ترجمه، ۱۲. اشتباهات در اعراب، ۱۳. اشکال‌های ویرایشی و نبود یک فهرست جامع (آیات، روایات و...) [۳].

حقیقت زندگی

«عصر زندگی» چیست؟ آیا به راستی عصر زندگی، عصری است که در عدالت اجتماعی و رفاه اقتصادی و... خلاصه شود؟ آیا گذشته‌های انسان همین‌ها است؟ در حالی که برای به دست آوردن آنها لزوماً نیازی به امام نیست و چه بسا بتوان در آینده به آن رسید و این که تاکنون نرسیده‌ایم، دلیل بر این نیست که از این پس هم نمی‌توان رسید. به راستی اگر کشوری در قلمرو خویش توانست به همه اینها برسد، آیا دیگر دغدغه‌ای ندارد و امام معصومی نمی‌خواهد؟ مؤلف، اشاره‌وار، عصر زندگی را عصر شکوفایی و به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان می‌داند؛ اما اگر خواننده بخواهد تلقی ایشان را از این شکوفایی دریابد به سادگی پی می‌برد که آن چه از سوی ایشان به عنوان جلوه‌های این شکوفایی طرح شده است، رفاه و عدالت است و امنیت و... و اگر مسأله تربیت انسانی نیز طرح شده، در برابر آن بحث‌های مفصل و طولانی، واقعاً به هیچ بیشتر شباهت دارد لیکن براساس معارف بلند اسلامی، عصر زندگی، عصر رویش انسان و جهت عالی یافتن استعدادهای آدمی است «و هیئاً لنا من امرنا رشداً» [۴] عصر زندگی، زمان برداشتن تمامی غل‌ها و زنجیرها از دست و پای آدمی است. «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم». [۵]. عصر زندگی، عصر حکومت فراگیر معصوم و دوران حضور و درک رهبری است که می‌خواهد آدمی را تا قرب خدا پیش برد. قلمرو حکومت او، نه دنیا، که هستی است و اهداف حکومتش نه رفاه و آزادی و امنیت، که عبودیت انسان‌ها است. طرح این اهداف کوتاه، به عنوان اهداف نهایی برای انسانی که به شهادت استعدادهای عظیمش، بزرگ‌تر از هستی است، از سوی صالح پیامبر (۲۵۰۰ سال قبل از پیامبر اسلام) مورد بازخواست قرار گرفته است. «اتترکون فیما هیئنا آمینین فی جنات و عیون و زروع و نخل طلعه‌ها هضیم و تنتون من الجبال بیوتاً فارهین»؛ آیا شما تصور می‌کنید همیشه در نهایت امنیت در نعمتهایی که اینجاست می‌باشید در این باغ‌ها و چشمه‌ها - در این زراعتها و نخلهایی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است و از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید و در آن به عیش و نوش می‌پردازید». [۶]. البته اینها به عنوان اهداف میانی و بستری برای رشد انسان، در مقاطعی مطرح است؛ اما هرگز به عنوان هدف نهایی نیست. بنابراین، عصر زندگی را در اهدافی چون عدالت اجتماعی خلاصه کردن و جامعه آرمانی شیعه را در حد رفاه پایین آوردن، از مهم‌ترین اشکالات کتاب است. البته یکی از زمینه‌های تحقق هدف کلی، ایجاد حکومت حق و عدالت اجتماعی است؛ اما همین حکومت حق و عدالت اجتماعی، زمینه ساز رشد و فلاح و رویش انسان است. علامت این که رفاه لزوماً موجب رشد نیست، جامعه‌ی صدر اسلام است که در میان فشارها و گرسنگی‌ها، آدم‌های بزرگی را پرورش داد و در مقابل، جوامع امروزی چون سوئیس و سوئد و... است که با وجود آن همه رفاه و نبودن بسیاری از مشکلات، باز به رشد انسانیت نرسیده است؛ به تعبیر حضرت علی (ع): «بین ثلثیه و معتلفه، همواره بین دستشویی و آشپزخانه» [۷] [می‌چرخند]. نشانه این پوچی و نرسیدن به انسانیت، آمار خودکشی همان جوامع [سوئیس و...] است و کمی تأمل در کمک‌های پی در پی آنان [به ویژه سوئیس به رژیم خون‌آشام و غاصب اسرائیل و حمایت از جنایت‌های او، بهترین گواه ماست. با این توضیح تفسیر روایت «بالمهدی... یخرج الذل الرق من اعناقکم؛ به دست مهدی، بندهای بردگی از گردن شما گشوده می‌شود». به بردگی ظاهری و استثمار کارگران و... و جامعه‌ی صنعتی و آن را هدف انبیاء شمردن، غفلت از برترین بندگی هاست که قرآن، بسیار، آن را نکوهش می‌کند یعنی برده نفس و عادات و تقلیدها و تعصبات بودن، آری، پیامبران آمده‌اند تا انسان را از این بندها برهانند. عصر زندگی، دوران آشنایی انسان با

استعدادهای عظیم و سرشار خود است. این عصر، انسان را برتر از دنیا و حتی بهشت می‌داند و برای رسیدن به این مقصد بلند و تا قرب خدا، اضطراب به حجت و امام معصوم (ع) پیدا می‌کند. از این رو با او پیمان می‌بندد و بیعت می‌کند و با تمامی عاملان فساد، درگیر می‌شود چرا که بایستی خارها و سنگ‌های راه را از میان برداشت. عصر زندگی از نگاه دین، خیلی فراتر از آن چیزی است که در این جا گفته شده است.

تحلیل‌های یکسویه، ناقص و ناصواب

نویسنده محترم، در بخش‌های مختلف وقتی به اثبات مدعای خود می‌پردازد، به پیامدهای بحث و سؤالاتی که رخ می‌نماید توجهی ننموده و راهی برای حل آن‌ها ارائه نمی‌دهد: ۱. مسأله یأس و سرخوردگی در آغاز کتاب، مشکل امروزی بشر، یأس و سرخوردگی دانسته شده و با ترسیم آینده فرا روی خواننده، او را به آینده امیدوار ساخته است؛ لکن درباره زندگی امروز او کمتر سخنی ارائه شده است. گاهی برای خواننده چنین تداعی می‌شود، که گویا نویسنده، تمام جریانات و حرکات شیعه را پس از حکومت علوی تا مهدوی، تخطئه می‌کند. این مطلب، توان حرکت و تلاش را می‌زداید و ناخودآگاه، یأس و ناامیدی را به جامعه تزریق می‌کند. ۲. شمشیر، آخرین علاج در بحث سیف و شمشیر، این مطلب به خوبی تبیین نمی‌شود که شمشیر و خشونت زمانی است که چاره‌ای از آن نیست و پس از راهنمایی‌های زیاد و به عنوان آخرین راه حل است. ۳. برخورد با اغنیابه نظر می‌رسد در این کتاب تمام اغنیاء تخطئه شده‌اند. البته ممکن است افراد زیادی تن به فساد داده باشند؛ اما باز کلی نگرانی ورد همه، تحلیلی یک سویه است. ۴. فقر و تساوی در بحث فقراء و مساوات، این نکته مغفول می‌ماند که مساوات به معنای تساوی در اعطاء نیست. بلکه هر کسی به قدر شایستگی‌ها و دست‌رنج خود، مزد می‌برد. ۵. عسر و يسردر مورد جریان قیام و مبارزات حضرت که با سختی‌هایی همراه و توأم است (ص ۶۸ و...) با این مطلب که «سهل الله له کل عسر؛ خداوند هر امری را برایش آسان می‌سازد (ص ۸۲)». تحلیلی برای رفع ذهتیت تناقض موجود ارائه نشده است. ۶. سیره حضرت از سویی سیره حضرت را مطابق سیره رسول (ص) معرفی می‌نماید (ص ۳۶) و از سوی دیگر، عدم آن را مطرح می‌سازد (ص ۸۶) بدون ارائه هیچ تحلیل و راه جمعی. ۷. تخطئه بینه در بحث قضاوت، روش قضاوت قبل از ظهور که مبتنی بر بینه و... است را تخطئه می‌کند [همان روش رسول خدا (ص) و ائمه (ع) پیش از حضرت حجه (عج) ۸]. قضاوت بدون هیچ دلیلی، قضاوتی که مبتنی بر شناخت سیمای مجرمان و مختص به امام زمان (ع) است، را به تمام یاران عمومیت می‌بخشد. (صفحه ۶۶) ۹. توحید و عدالت از سویی دغدغه اصلی حضرت را عدالت می‌داند نه توحید، بدین استدلال که مردم با توجه به هدایت‌های پیامبران و... مشکل توحیدی ندارند (ص ۲۳) لیک از سویی دیگر اختلافات و انحرافات عمده‌ای در توحید، قابل بوده و آن را تحریف شده‌ای می‌داند که به دست حضرت تصحیح می‌گردد (ص ۹۷). ۱۰. رجعت چون یاران حضرت مطرح می‌شود، اشاره‌ای به رجعت نمی‌گردد.

وحدت عقیدتی

در این کتاب، «وحدت عقیدتی و مرامی» زیاد مطرح شده و بخشی بدان اختصاص یافته است. لیکن این سخن مبتنی بر پیش فرضی است که پیش فرض و نتیجه هر دو مخدوش است. پیش فرض این است که: «اختلاف در مبانی جهان‌بینی، موجب ناسازگاری انسان در محیط اجتماعی است». «تنوع و چندگانگی در مرام‌ها و ایدئولوژی‌ها، زمینه‌ساز اختلافات و تضادها و برخوردهای دشوار در زیست اجتماعی است». [۸] نتیجه آن که باید وحدت عقیدتی و مرامی حاکم شود و زمان ظهور، ظرف تحقق چنین امری است. (ایدئولوژی‌ها یگانه می‌شوند). [۹]. در پاسخ گفتنی است: اولاً کلیت مقدمه و پیش فرض صحیح نیست؛ زیرا هر چند یکی از عوامل ناسازگاری، اختلافات جهان‌بینی است؛ اما این عامل، علت تامه نیست و بر این مطلب، نویسنده نیز معترف است که «تنوع و

چندگانگی زمینه‌ساز است؛ اما گفتنی است، در همان زمینه‌سازی نیز، علت تامه و منحصره نیست. در واقع میان اختلاف در مبانی جهان بینی، تنوع و چندگانگی در ایدئولوژی و مرام با ناسازگاری محیط اجتماعی، ملازمه نیست. گرچه در بسیاری از موارد، چنین اختلافاتی به ناسازگاری می‌انجامد. دوم این که نتیجه دچار اشکال و نقد جدی است. براساس چه دلیلی، می‌توان گفت که تمام ایدئولوژی‌ها در عصر ظهور یگانه می‌شود (جدای از این که ممکن است، راه حل اختلافات و تنازعات اجتماعی، صرفاً وحدت عقیده نباشد). آنچه مسلم است در آن عصر، نظام رسمی، دین، مذهب و اعتقاد حاکم، شیعه است؛ ولی این به معنای نفی ایدئولوژی‌ها و مکاتب دیگر نیست. مؤید سخن ما، آیات قرآن است که به صراحت، بقای یهود و مسیحیت را تا قیامت، اعلان می‌دارد: «فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ الی یومِ الْقِيَامَةِ». [۱۰]. - سیره رسول گرامی اسلام (ص) و امیرالمؤمنین (ع) نیز مؤید این است؛ زیرا در نظام اسلامی آن بزرگواران، یهودیان و مسیحیان، به عنوان اقلیت دینی [۱۱] زندگی می‌کردند و دارای حقوق شهروندی بودند. (البته مشمول قوانین خاصی چون جزیه و... بودند).

روحانیت

در مورد روحانیت هم، به خوبی تفکیک صورت نگرفته و سره از ناسره تمیز داده نشده است. در بحث از بدعت‌ها و انحرافات، فراموش شده [۱۲] که، رسالت دین، بر دوش عالمان راستین بوده است و آنان همواره دین را از تحریف و گزند بدعت گذاران حفظ کرده‌اند. اهل بیت (ع)، دیگران را به پیروی از عالمان و فقها، فرا خوانده و اطاعت آنان را اطاعت خویش و مخالفت با آنان را مخالفت خود قلمداد کرده‌اند. آنان ناخدای این کشتی در این دریای پر تلاطم‌اند و همواره در مقابل جریانات انحرافی - چه از ناحیه اندک عالم نمایان و چه دیگران - قد علم کرده و مال و جان و آبروها در کف ایثار نهاده‌اند. به نظر می‌رسد نایب‌ها، میرزای شیرازی‌ها، مدرّس‌ها، خمینی‌ها و... فراموش شده‌اند و یا آن قدر کم رنگ یا بی رنگ مطرح شده‌اند که گویا از یاد رفته‌اند. نویسنده، گاهی با عباراتی تند و به تعبیر خودش «در سایه شمشیر»، انحرافات دین را در تفسیر عالمان دانسته، بدون ارائه هیچ مدرکی، مشکلات را به سکوت آنان بر می‌گرداند [۱۳] و مجاهدت‌ها و مبارزات آنان را متذکر نمی‌شود. در جایی دیگر، احکام رایج را همخوانی و همگام با فرادستان و نیز همه یا بیشتر متولیان احکام را ناخودآگاه به دنیازدگی و بی‌تقوایی متهم می‌کند. ایشان [۱۴] آورده است: «احکام دین به سود طبقات مرفّه و زیان محرومان و فرودستان توجیه می‌شود». در جای دیگر، بدون ارائه هیچ تحلیلی جامع و مانع، تفسیر، حدیث، فقه و مبانی دین‌شناسی رایج را تفسیر به رأی می‌نمایاند. [۱۵]. البته طبیعی است که نویسنده محترم بفرماید: «در صفحاتی از کتاب [۱۶]، واژه عالم نمایان را نیز به کار برده است؛ ولی پاسخ این است که این اشاره کوتاه، در میان آن هجوم‌ها و فریادها، به چشم نمی‌آید. از این رو شایسته بود آن بزرگوار به طور صریح، سره را از ناسره، حق را از باطل و روحانی را از روحانی نما جدا می‌کرد. گفتنی است، تعبیری هم که در بعضی روایات، راجع به برخی علماء آمده، مطلق علماست، نه فقط علمای شیعی و یا فقط روحانیان.

ضدیت با سرمایه و مالکیت

نویسنده با اندک بهانه‌ای، به سرمایه‌داری حمله کرده، با افراط در این مسأله و استناد به برخی روایات (!)، مالکیت خصوصی را نیز مورد هجوم قرار می‌دهد [۱۷] با آن که، این سخن و برداشت، بس خطا و نادرست است. یکم: به صرف چند روایت - بر فرضی که مؤید مدعای نویسنده باشد - نمی‌توان آیات و روایاتی را که دال بر مالکیت است، نادیده گرفت؛ مثلاً: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ». [۱۸] «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم الی أَمْوَالِكُمْ». [۱۹] «و حرمة مال المسلم كحرمة دمه». [۲۰]. دوم: سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع)، مبتنی بر پذیرش و احترام به مالکیت شخصی افراد بوده است. سوّم: بزرگان، عالمان و اندیشمندان شیعه و سنی آن را پذیرفته‌اند؛

حتی فقیهان قاعده فقهی دارند که از روایت مرسله نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» - که با عمل اصحاب جبران شده - گرفته شده است [۲۱]. چهارم: مالکیت شخصی امری غریزی و فطری است؛ انسان خود را نسبت به دسترنج خویش سزاوارتر می‌داند؛ حتی در حیوانات نیز این روحیه حکم‌فرما است؛ زیرا هر حیوانی خود را به شکار خویش اولی می‌داند و مزاحمت دیگری را با چنگ و دندان دفع می‌کند. [۲۲]. پنجم: تجربه بشری و پیامدهای نفی مالکیت خصوصی دلیل دیگری بر این امر است. نفی مالکیت خصوصی، نتیجه‌ای جز گسترش سستی، تبلی، یأس و ناامیدی در مردم و کم‌کاری چیزی ندارد؛ به همین جهت کشورهای سوسیالیستی نتوانسته‌اند، اقتصاد شکوفایی بیابند. پس روشن می‌شود که مالکیت خصوصی در اسلام معتبر است؛ البته نه به معنای سرمایه‌داری که در آن تنها مالکیت خصوصی اصل باشد. اسلام به مالکیت دولتی و عمومی نیز قائل است؛ اما نه به معنای سوسیالیستی که مالکیت اشتراکی اصل عمومی باشد. مالکیت اسلام، مالکیتی مختلط است. [۲۳]. گفتنی است که آن چه در اسلام به نام «انفال» (مالکیت دولتی) و «اراضی مفتوحه عنوة» (سرزمین‌هایی که با جنگ به دست آمده) و مالکیت‌های عمومی، مطرح است که در اختیار پیامبر (ص) و امام (ع) می‌باشد، به معنای این نیست که اموال شخصی و خصوصی آنان محسوب شود؛ بلکه بدین جهت در اختیار آنان قرار دارد که رهبری امت و جامعه را بر عهده دارند. امام هادی (ع) در روایتی، اموالی را که از پدر خود به ارث مانده است به دو نوع قسمت می‌کند و می‌فرماید: اموالی که مربوط به شخص پدرم امام محمد تقی (ع) بوده است. این اموال باید میان وارثان امام تقسیم گردد؛ اما اموالی که مربوط به امامت و رهبری است، از آن من است که عهده دار مقام رهبری می‌باشم. [۲۴] «ما کان لأبی بسبب الامامة فهو لی و ما کان غیر ذلک فهو میراث علی کتاب الله و سنه نبیه». [۲۵]. امام صادق (ع) درباره «مفتوح العنوة» می‌فرماید: «این اموال متعلق به همه مسلمانان است. مسلمانان امروز و کسانی که از این پس به امت اسلامی ملحق می‌شوند و هنوز به دنیا نیامده‌اند». [۲۶] قال (ع): هو لمن المسلمین لمن هو الیوم و لجمیع یدخل فی الاسلام بعد الیوم و لمن لم یخلق بعد». [۲۷]. با این توضیحات، می‌توان گفت: مالکیتی که در روایات برای پیامبر و ائمه مطرح شده، مالکیتی در طول مالکیت‌های دیگر است، نه در عرض آن‌ها و به معنای نفی مالکیت‌های دیگر. قابل توجه است روایتی را که مؤلف در کتاب مطرح می‌سازد، جدای از اشتباه در ترجمه فلیوطن که به معنای آمادگی و تهیو است نه اطمینان، خوب مورد دقت واقع نشده است، به نظر می‌رسد، آنچه بایستی در زمان ظهور برای آن آماده بود تا تحویل امام شود «طسقهها»؛ یا مالیات اموال است نه خود اموال، یعنی مالیات اموال، اگر در قبل ظهور اختیاری بود (و کسی به زور آن را از فرد نمی‌گرفت)، بعد از ظهور این آمادگی باید باشد که ممکن است، اخذ آن اجباری گردد و به زور آن را بگیرند.

مهربانی

نویسنده محترم، گرچه در بعضی از بخش‌ها - به خصوص بخش ۱۸ (انتظار) - به مهربانی حضرت ولی عصر (عج) و رفتار ایشان با مؤمنان که اکثر افراد را تشکیل می‌دهند، پرداخته است؛ لکن در کنار مباحث قاطعیت، جنگ، شمشیر و...؛ و شدت لازم و ضروری حضرت با دشمنان، مهربانی و رأفت امام جای بحث بیشتری داشت. گفتنی است که شمشیر و جنگ اهل بیت (ع)، چون چاقوی جراحی، برگرفته از محبت آنان است: طیب دوار بطبه، قدأ حکم مراهمه و احمی (امضی) مواسمه یضع ذلک حیث الحاجه الیه من قلوب عمی و آذان صم و ألسنه بکم متبع بدوائه مواضع الغفلة و مواطن الحیره؛ [۲۸] «او طیبی است سیار که با طب خویش، همواره به گردش می‌پردازد. مرهم‌هایش را به خوبی آماده ساخته است. حتی برای مواقع اضطرار و داغ کردن محل زخم‌ها، ابزارش را گذاخته است [تا در آن جا که مورد نیاز است قرار دهد] برای قلب‌های نابینا، گوش‌های کر و زبان‌های گنگ. با داروی خود، در جست و جوی بیماران فراموش شده و سرگردان است».

عدم تبویب مناسب

اگر تأخر بخش ۱۸ (انتظار) از اقدامات حضرت، توجیه منطقی داشته باشد؛ ذکرِ بخش ۱۵ (اصول بیعت) - که در آغاز تشکیل حکومت و ابتدای قیام است -، پس از ذکر بسیاری از اقدامات حکومتی، جای مناسبی ندارد. در هر حال ارائه مبنایی برای تبویب براساس سیر منطقی و عقلایی، اهمیت حوادث، سیر زمانی و یا... لازم می‌نمورد. برخی از بخش‌ها نیز دارای نظم منطقی نبوده یا درهم مطرح شده است؛ مانند بخش اول که بهتر بود بدین صورت مرتب می‌شد: تعریف، علل، آثار و....

عدم بررسی سندی روایات

بررسی سندی روایات، در این کتاب کمتر مورد توجه واقع شده است. این گونه نوشته‌ها و استفاده از روایات، گاهی مشی اخباری‌ها را تداعی می‌کند و از نتایج آن، استفاده از اخبار ضعیف و یا جعلی و بی‌اساس است. به عنوان نمونه روایت ذیل [۲۹]، جدای از مشکل دلالتی، به تصریح تمام ارباب رجال، غیر قابل اعتماد است: «عدة من اصحابنا عن احمد بن ابی عبدا... بن ابیه عن ابی البختری رفعه قال: قال رسول الله (ص) اللهم بارک لنا فی الخبز و لا تفرق بیننا و بینه، فلولا الخبز ما صلینا و لاصمنا و لا ادینا فرائض ربنا...» ابوالبختری، به نقل نجاشی و کشی در کتاب «رجال» و شیخ در «فهرست» و علامه در «خلاصه»، کذاب، قاضی عامی مذهب، ضعیف و از دروغ‌گوترین مردم است و هیچ یک از روایات او قابل اعتماد نیست.

استفاده از منابع غیر مرجع

جدای از آن که استنادات کتاب فقط به منابع شیعی است (گرچه برخی از تحلیل‌ها نیز مستند نیست) و از منابع اهل سنت هیچ استفاده نشده است؛ و فور منابع غیر مرجع و دست‌چندم در کتاب، جلوه‌ای خاص دارد. البته گفتنی است توضیح ارجاعاتی هم که داده شده، ناقص است. نام مؤلف کتاب و دیگر مواردی که لازم است ذکر شود، نیامده است. برای تأیید مطالب بالا، ذکر صفحات ۲۷، ۸۰، ۱۲۳، ۲۲۶، ۲۵۲، ۲۹۰ و... کافی است.

عدم دقت در نقل

۱. در صفحات ۴۷ و ۱۱۴ روایتی ذکر می‌شود هر دو از بحار ج ۵۲، ص ۲۲۴ ولی تفاوت دارند در اولی «عبداً» است و در آخر روایت «حتی یملاً الارض عدلاً» و در روایت دوم «عبداً مسلماً» - و در آخر «حتی یملاً الارض قسطاً و عدلاً» است. ۲. صفحه ۱۱۳: فی امتی المهدی ذکر نموده‌اند ارجاع به بحار، ج ۵۱، ص ۷۸ در حالی که اصل روایت بحار یکون من امتی المهدی است (گرچه ترجمه روایت نیز نادرست است).

اشباهات در ترجمه

صفحه: ۳۵- متن: کما مُلئت - نادرست: پس از آن که از ستم... لبریز شده است - درست چنان که از ستم... صفحه: ۳۶ - متن: کما مُلئت - نادرست: پس از آن که از ستم... لبریز شده است - درست چنان که از ستم... صفحه: ۴۵ - ۴۷ - متن: فلا یتَرَک عبداً... - نادرست: برده‌ای نمی‌ماند... - درست تذکر: اعراب و ترجمه‌ها ناسازگارند صفحه: ۶۰ - ۶۱ - متن: یکون الدین کله لله - نادرست: دین همه، دین خدا گردد - درست همه دین برای خدا گردد صفحه: ۶۸ - متن: ثم مسح جبهته - نادرست: [ترجمه نشده است - درست آنگاه دست خویش بر پیشانی کشید صفحه: ۷۴ - متن: لیعدنّ أحدکم - نادرست: باید هر یک از شما... اسلحه تهیه کند -

درست باید هر یک از شما... آماده باشد صفحه: ۸۶- متن: لایستیب أهداً- نادرست: توبه کسی را نمی‌پذیرد- درست از کسی تقاضای توبه نمی‌کند صفحه: ۹۵- متن: یحیی میت الکتاب- نادرست: نشان می‌دهد زنده کردن کتاب و... چیست- درست قوانین مرده کتاب و... را زنده می‌کند صفحه: ۱۲۸- متن: فلیوطن- نادرست: اطمینان داشته باشد- درست مهیا و آماده باشد صفحه: ۱۲۹- متن: کنتم تکنزون- نادرست: گنج‌هایی است که ذخیره کردند- درست گنج‌هایی است که شما ذخیره می‌کردید صفحه: ۲۲۷- متن: مساجد مصوره- نادرست: نقش نگار دارد (آینه کاری، کاشی کاری و تزئینات دارد)- درست نقش و نگار دارد [تذکر: مصادیق ذکر شده، استنباطی ناصحیح است

اشتباهات در اعراب

صفحه: ۴۷- نادرست: فلا یترک عبداً الا...- تذکر: اعراب از حیث فعل و فاعل، معلوم و مجهول و... ناسازگار است. صفحه: ۶۸- نادرست: لایهریق- درست: لایهریق صفحه: ۷۱- نادرست: یُعطی قُوَّةً- درست ... قُوَّةً صفحه: ۷۲- نادرست: مثل- درست مثل صفحه: ۷۳- نادرست: حتی یتم اصحابه- درست ... اصحابه صفحه: ۷۳- نادرست: عشرة- درست عشرة صفحه: ۷۸- نادرست: یقوم القائم- درست ... القائم صفحه: ۷۸- نادرست: الا السیف- درست الا السیف صفحه: ۱۰۴- نادرست: غیرهم- درست غیرهم صفحه: ۱۱۲- نادرست: من الحق- درست من الحق صفحه: ۱۱۴- نادرست: حتی یملاً- درست حتی یملاً صفحه: ۱۲۱- نادرست: واتقوا- درست واتقوا صفحه: ۱۲۳- نادرست: تخرج- درست تخرج صفحه: ۱۴۴- نادرست: اهله- درست اهله صفحه: ۱۵۵- نادرست: یتواسون- درست یتواسون صفحه: ۱۵۶- نادرست: لم یعطوا- درست لم یعطوا

اشکال‌های ویرایشی و نداشتن فهرست جامع (آیات، روایات و...)

نبود یک فهرست جامع (آیات، روایات و...)، برای کتابی که حدود ۳۰۰ حدیث در آن مورد استفاده قرار گرفته است، از کمبودهای اساسی به شمار می‌رود. هم چنین اشکال‌های ویرایشی فراوانی در این کتاب به چشم می‌خورد، به خصوص واژه‌هایی که جدا نویسی آن بدیهی است. «ان ارید الا الاصلاح ما استطعت»

پاورقی

- [۱] شایان ذکر است این کتاب که چاپ اول آن سال ۱۳۷۱ بود، برای چهارمین بار، در سال ۱۳۸۰، توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، به زیور طبع آراسته شد.
- [۲] در این باره توضیح و نقدی است که بعداً خواهد آمد.
- [۳] گفتنی است از ذکر مفصل نویسی‌های کتاب و تکرار برخی مطالب که گاه برای خواننده ملال‌آور است، اغماض می‌کنیم.
- [۴] کھف (۱۸)، آیه ۱۰.
- [۵] اعراف (۷)، آیه ۱۵۷.
- [۶] شعراء (۲۶)، آیه ۱۴۶ - ۱۴۹.
- [۷] نهج البلاغه، خطبه ۲، فراز ۱۱.
- [۸] ص ۹۹ و ۱۰۰.
- [۹] ص ۲۰۱.
- [۱۰] مائده (۵)، آیه ۱۴ و با کمی تفاوت آیه ۶۴.

[۱۱] بدیهی است این سخن به معنای تأیید پلورالیسم و تکثر گرایی یا قرائت‌های مختلف از دین نیست؛ چرا که در اینجا، سخن از حقانیت همه نیست. بلکه سخن این است که ممکن است دینی منسوخ هم باشد. اما در سایه حکومت اسلامی و شهروند جامعه اسلامی علوی و مهدوی باشد.

[۱۲] صفحه ۹۰.

[۱۳] ص ۱۴۷.

[۱۴] ص ۲۳۹.

[۱۵] ص ۱۷۹.

[۱۶] ص ۹۳ و ۹۴ و ۹۶....

[۱۷] ص ۱۲۸.

[۱۸] نساء (۴)، آیه ۲۹.

[۱۹] همان، آیه ۲.

[۲۰] مسند احمد.

[۲۱] مکارم شیرازی، ناصر؛ قواعد فقهیه، ج ۲، ص ۲۰.

[۲۲] سبحانی، جعفر؛ سیمای اقتصاد اسلامی، ص ۷۸ - ۷۹.

[۲۳] صدر، محمدباقر، اقتصاد ما، ترجمه محمد کاظم موسوی، ص ۳۵۶.

[۲۴] سبحانی جعفر، سیمای اقتصاد اسلامی، ص ۵۵ - ۵۶.

[۲۵] وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۷۴، باب ۱۲ از ابواب انفال، ح ۶.

[۲۶] سیمای اقتصاد اسلامی، ص ۵۵ - ۵۶.

[۲۷] وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۴۶، باب ۱۸ از ابواب احیاء و موات.

[۲۸] وصف حضرت پیامبر(ص) از زبان حضرت علی(ع)؛ نهج البلاغه، خ ۴، ص ۱۰۸، ترجمه محمد دشتی.

[۲۹] ر.ک: ص ۲۳۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

